

# توسعهٔ خدامحور

## بر مبنای آسیب‌شناسی و درک نیاز

❖ تهیه و تنظیم: فرزانه نزاکتی

کارشناس ارشد ارتباطات

در ابتدای این جلسه، سید حسن غمیلو، مدیر گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات میان‌فرهنگی و بین‌الملل در تبیین ضرورت این نشست گفت: برخی معتقدند مالزی که از دهه ۱۹۷۰ تاکنون برنامه‌های اقتصادی خود را طی چشم‌اندازهای ۱۰ و ۲۰ ساله برنامه‌ریزی کرده است، پیشرفته‌ترین و توسعه‌یافته‌ترین کشور اسلامی است. نقطه عطف توسعه این کشور آن است که به لحاظ اسلامی هم شاخص‌های خوبی دارد؛ به‌ویژه آنکه مالزی کشوری است که نه از طریق فتوحات، بلکه از طریق تجارت و مهاجرت و ارتباطات مسالمت‌آمیز، مسلمان شده است. به همین جهت تبیین رابطه اسلام و توسعه، با توجه به تجربه این کشور برای ما حساس شده است، زیرا می‌توانیم در برنامه‌ریزی‌های توسعه خود از آن استفاده کنیم.

دکتر پسران قادر در آغاز سخن، با اشاره به اینکه علاوه بر مطالعه تطبیقی کشور مالزی با سایر کشورهای توسعه‌یافته، در دو سفر به مالزی، از نزدیک شاهد موفقیت‌های این کشور بوده است، با ذکر جملاتی از ماهاتیر محمد توسعه مالزی را توسعه‌ای مبتنی بر اسلام دانست. این مدرس دانشگاه، پس از مقایسه آماری مالزی و کانادا به لحاظ شاخص‌های توسعه، به تشریح چگونگی فرایند توسعه در مالزی پرداخت و گفت: از زمان استقلال مالزی در سال ۱۹۵۷ که بریتانیا این کشور را ترک کرد، یک سیستم اداری بسیار قوی برای این کشور از دوران استعمار به‌جا ماند. ضمن آنکه دارای توان سنجش و ارزیابی اثربخشی و کارایی دولت بودند و خدمت به مردم را نیز ارج می‌نهادند. البته یک ارزش منفی هم در آنها وجود داشت که همان وفاداری اغراق‌آمیز مدیران به بریتانیا بود.

مشاور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دهه ۱۹۷۰ را دهه ناسیونالیسم مالزی خواند که با دو هدف عمده ریشه‌کنی فقر صرف‌نظر از نژاد و فراهم‌نمودن وحدت ملی طی شد. وی تصریح کرد: این دو هدف با توجه به اینکه جمعیت مالزی از سه گروه عمده مسلمان، چینی تبار و هندی‌تبار تشکیل شده است، اهداف مهم و بجایی بود. ضمن اینکه برنامه ریشه‌کنی این کشور به معنای همسان‌سازی فقر بین مردم نبود و انسجام ملی هم با توجه به این اصل قوت گرفت که قرار است همه در آئین خود به فلاح و رستگاری برسند.

او افزود: در این دهه مالزی با دو اتفاق، به سوی آمریکا گرایش پیدا کرد: اول، تأسیس واحد توسعه اداری در سال ۱۹۶۶ و دوم، تأسیس مؤسسه ملی مدیریت عمومی مالزی در سال ۱۹۷۲. اما در دهه ۱۹۸۰ با نگاه به توسعه ژاپن و کره جنوبی و تلاش برای الگوگیری از توسعه آنها، نگاه مالزی معطوف به شرق شد. اگرچه این دوره را می‌توان دوره خصوصی‌سازی و تزریق توسعه اسلامی نامید، این دهه در عین حال دهه رسوایی‌های دولتی در مالزی نیز بود؛ به گونه‌ای که بانک‌ها و مؤسسات دیگر به تعهدات خود عمل نکردند و نوعی بحران ارزشی در مالزی پدید آمد. دلایل این بحران را جامعه‌شناسان چنین تحلیل کردند: اغتشاش در مفهوم دانش، فقدان ادب در جامعه و نفوذ رهبران ناشایست به همه

دکتر مجید پسران قادر، عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مشاور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در نشست «تبیین رابطه اسلام و توسعه در مالزی» که روز سه‌شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۹ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد، مدل توسعه مالزی را یک مدل «خدامحور» (Allah Ori-ent) نامید. وی با تشریح روند توسعه در مالزی، دولت آن‌را مشابه آنچه در اصطلاح مدیریتی، «حکومت شرکتی» (corporate governance) نامیده می‌شود، خواند و گفت: توسعه مالزی از دوره ماهاتیر محمد تا دوره احمد بدایوی بر مبنای «اسلام حضاری» تغییر کرده است.

جنبه‌های زندگی اجتماعی و معنوی مردم.

عضو شورای علمی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی افزود: توسعه مالزی فقط تا آن زمان انسان مدار بود که به دلیل دو ویژگی انسان که همان سوداگری و لذت‌گرایی است، دچار آسیب می‌شود. اما مالایی‌ها، راه‌هایی از این بحران را نخبه‌گرایی و بازگشت به تعلیمات توحیدی دانستند. بدین ترتیب براساس آیات قرآن، اصول اخلاقی و راهکارهایی برای برون‌رفت از وضعیتی که به آن دچار بودند تدوین و آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی را اصلاح کردند. آنها در این منشور جدید، ایمان، علم و عمل را مدنظر قرار دادند و به معاد توجه کردند. در این مدل، که الله‌محور است، انسان به‌عنوان مخلوق الله دیده شده است که باید شرایط بازگشت او به فطرت و عمل به میثاق ازلی‌اش فراهم شود. مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه **تحول اداری**، سپس با اشاره به اینکه طبق یک دیدگاه مدیریتی، هر جامعه، یک سازمان و هر سازمان یک جامعه است، توضیح داد: بر مبنای این دیدگاه، سیاست‌گذاران مالزی سازمان مبتنی بر ادب را بنیان گذاردند. وی افزود: نظریه‌پردازان جدید مالزی، بر اساس پنج اصل شورا، عدل و داد، آزادی، در محدوده قانون و با توجه به امر به معروف و نهی از منکر، برابری در کسب عدالت و بهزیستی و بازخواست کردن رهبری و مدیریت، سازمان مبتنی بر ادب را تعریف کردند. براساس این تعریف، سازمان مبتنی بر ادب سازمانی است که با هدف تشویق انسان به کار نیک و ترک کار ناشایست با توجه به طبیعت انسان و ماهیت عمل وی تعریف شده‌است. در این سازمان، مسئولیت‌های انسان، شامل مسئولیت در برابر خداوند، خویشان و کار، جامعه و سایر افراد، جهان و دیگر مخلوقات است.

دکتر پسران قادر با تأکید بر اینکه مالزی براساس اسلام نرم توسعه یافته که مبتنی بر خلق و خوی حسنه محمدی است، گفت: مالایی‌ها امور را بر اساس ارزش‌های توحیدی تنظیم کردند و در مدل مدیریتی آنها مدیریت شورایی است و جامعه از پایین اداره می‌شود.

وی عناصر مهم این حاکمیت - که از نوع حکمروایی مشارکتی (corporate governance) است - را درستی، صمیمیت، انسجام، لیاقت، شایستگی، ایمان، دوری از نفاق، پاسخگویی، شفافیت، عدل و انصاف و مسئولیت‌پذیری برشمرد. این عضو سازمان EROPA و عضو انجمن JICA، مدیریت انگیزه، مدیریت بحران و به‌وجود آوردن کالبد سرزمینی را به‌عنوان ابتکارات عمل ماهاتیر محمد نام برد و گفت: ماهاتیر محمد در ملتی که احساس پوچی و بی‌انگیزگی داشت، احساس افتخار نسبت به ملیت و کشورش ایجاد کرد. او خود در تشریح دلایل موفقیتش گفته است که هدفش صنعتی کردن کشور نبوده، بلکه اشتغال ملی برایش در اولویت بوده‌است؛ او اسلام را به‌عنوان دینی متمدن و موافق توسعه می‌شناخته و بخش خصوصی و دولتی را به‌صورت همزمان، بازوهای توسعه می‌دانسته است.

عضو شورای علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه توضیح داد که پس از ماهاتیر محمد، احمد بدایوی نخست‌وزیر مالزی، پارادایم «اسلام حضاری» را مطرح کرده است که اسلامی متمدن با رویکرد میانه‌روی و اعتدال است. ۱۰ اصل مهم اسلام حضاری، ایمان و تقوای الهی، دولت‌دادر و مورد اعتماد، ملت آزاد و مستقل، برخوردار از دانش و دانایی، توسعه اقتصادی متوازن و فراگیر، کیفیت خوب زندگی، حمایت از گروه‌های اقلیت و زنان، انسجام و اعتماد فرهنگی و اخلاقی، حفاظت از محیط زیست و پدافند قدرتمند است. وی افزود: اهداف این اسلام اعاده اعتدال و دراختیار گرفتن جریان اصلی، ارزش نهادن به سنجایی نیک، پذیرایی صعوبت و پاسخگویی، بنیان روابط اجتماعی بر اعتماد و اخلاق نیک، احترام به قانون و نظم، وحدت‌آفرینی، تعاون و انسجام، برگزاری آموزش‌های اسلام راستین و تحقق اهداف شریعت و توانمندسازی دولت در جایگاه رهبری است. بدین ترتیب، دانش، توسعه متوازن، ثروت و بهداشت و سلامتی مهم‌ترین زمینه‌های تمرکز اسلام حضاری و عمومیت، توحید، اخلاق و فضیلت، مدارا و بردباری دینی، جامعیت، اعتدال و میانه‌روی، تنوع و انسانیت از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است.

دکتر پسران قادر در پایان، در پاسخ به پرسش یکی از حضار که مدل توسعه مالزی را به دلایلی برای ایران مناسب ندانست، گفت: مالزی براساس آسیب‌شناسی جامعه خود، نیازش را شناخت و برنامه توسعه‌اش را تنظیم کرد. مهم این است که این فرایند در مورد کشور ما نیز به درستی اتفاق افتد. وی افزود: در کشور ما مطالعات پیشینی با وجود اهمیت بالا، معمولاً بسیار ضعیف و کوتاه انجام می‌شود و بیشتر روی اجرایی کردن آنچه بر مبنای دقیقی تدوین نشده است، وقت می‌گذاریم. طرح‌ها هم همگی ملی و تحول‌خواهانه هستند که با صرف بودجه‌های کلان و وقت بسیار نتایج و اثرات ناچیزی برجای می‌گذارند، درحالی‌که بهتر است هر مسئله‌ای ریز و جدا شود و راه حل مشخصی برای آن در نظر گرفته شود.

توسعه مالزی فقط تا  
آن زمان انسان‌مدار  
بود که به دلیل دو  
ویژگی انسان که  
همان سوداگری و  
لذت‌گرایی است،  
دچار آسیب می‌شود.  
اما مالایی‌ها، راه  
رهایی از این بحران  
را نخبه‌گرایی و  
بازگشت به تعلیمات  
توحیدی دانستند.  
بدین ترتیب براساس  
آیات قرآن، اصول  
اخلاقی و راهکارهایی  
برای برون‌رفت از  
وضعیتی که به آن  
دچار بودند تدوین و  
آسیب‌های اجتماعی  
و اخلاقی را اصلاح  
کردند.